موضوع:

پیامدهای آسان‌سازی ازدواج

تهیه‌و تنظیم:

فاطمه السادات حسینی

مریم کریمی

بهار 1389

**چکیده:**

آسان‌سازی ازدواج از جمله عوامل نزدیک ساختن جوانان به ازدواج به هنگام، شروعزندگی زناشویی، کاهش توقعات و افزایش بهره‌وری در ازدواج خواهد بود همچنین خانواده‌ها با پیروی از سیده پیشوایان دینی در آسان‌سازی ازدواج نهایتاً زندگی شیرین و لذت‌بخش به جوانانشان هدیه می‌کنند.

شادی حقیقی و رضایتمندی در زندگی زناشویی تنها با یک ازدواج موفق صورت‌پذیر خواهد بود و ازدواج موفق ازدواجی است که طبق موازین اسلامی صورت بگیرد و از چشم و هم چشمی‌های تشریفاتی، سبقت گرفتن در تجملات، اسراف و زیاده‌روی و تکلف‌های طاقت‌فرسا در افزودن مراسم قبل، حین و بعد از ازدواج به دور باشد.

امر آسان سازی ازدواج موجب می‌شود که نیروی یک جامعه که جوانان آن می‌باشد از فساد و فحشا دوری گزینند و به ازدواج روی بیاورند و این امر موجب افزایش سطح ایمان در جوانان و نهایتاً در جامعه می‌شود چرا که به فرموده رسول اکرم (ص): من تزوَّجَ فقد استکملَ نصف الایمان

**کلید واژه‌ها:**

1ـ آسان‌سازی :‌ سهل کردن، تسهیل

2ـ تجملات :

3ـ تکلف :

الف

**مقدمه:**

**« و مِن آياتِه اَن خَلَقَ لَکم من انفسکُم اَزوجاً لستکُنوا اِليها جَعَلَ بَينَکُم مَوَّدة وَ رَحمةً»**

و یکی از نشانه‌های لطف خداوند آنست که برای شما آدمیان از جنس خودتان همسرانی آفرید که در کنار او آرامش یافته با هم انس بگیرید و میان شما رأفت و مهربانی قرار داد.

ازدواج و تشکیل خانواده یکی از حساس‌ترین تصمیمات دوران زندگی انسان است که اقدام به آن نیاز به دقت و هوشیاری بالایی دارد دختر و پسری که پیوند زناشویی می‌بندند اهداف بسیار مهمی را در زندگی دنبال می‌کنند اهدافی از قبیل زندگی سالم و شاد داشتن فرزندانی صالح و سالم که مفید برای خود و جامعه باشند، ارضای غریزه جنسی، تسکین و آرامش روان و اهداف دیگر. اما متأسفانه امروزه با تحولاتی که در عقاید، علایق، نگرش‌ها و نحوه زندگی و رفتارها ایجاد شده موجب گردیده که مسأله ازدواج آنقدر در میان آداب و رسوم غلط و حتی خرافات پیچیده شود که به صورت یک جاده صعب‌العبور یا غیر قابل عبور برای جوانان درآید.

از این روست که تحقیق و تفکر پیرامون مسأله آسان‌سازی ازدواج امری ضروری و قابل اهمیت است بنابراین در ابتدا به تعریف لغات پرداخته شده و سپس در فصل اول و دوم پیامدهای آسان‌سازی ازدواج از جهت مادی و معنوی مورد بحث قرار داده شده است و همچنین این پیامدها در جامعه و خانواده به عنوان جامعه کوچکتر در فصل‌های سوم و چهارم بررسی شده است و در پایان به یک نتیجه‌گیری اجمالی پرداخته‌ایم امید که مورد عنایت صاحب و امام عصرمان واقع گردد.

**ان شاء ...**

فصل اول : تعاریف

گفتار 1 ـ1 معنای لغوی و اصطلاحی ازدواج

تعریف لغوی ازدواج [[1]](#footnote-1): 1ـ جفت کردن، زن کردن، شوهر کردن، با یکدیگر جفت و قرین شدن. با هم جفت شدن. مزاوجه (تاج الععادر بیهقی) زواج / زناشویی/ جفت کردن / تزویج/ با هم جفت کردن مرد و زن را گویند (غیاث اللغات) 2ـ ازدواج [[2]](#footnote-2) [ezdevaj] مصدر: جفت گرفتن، با یکدیگر جفت و قرین شدن، با هم جفت شدن ـ تعریف اصطلاحی ازدواج: 1ـ در علوم تنظیم اشیاء است دو به دو. مانند چرخ‌ها و ستونها و غیر. در الکتریسیته عمل اتحاد و الحاق دو یا چندین مولد برق مانند عناصر پیل، آکومولاترها و ماشین‌‌های برقی را ازدواج گویند.

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| خاک را بر سر زنی سر نشکند گر تو می‌خواهی که سر را بشکنی حکمتی که حق نمود از ازدواج باشد آنگه ازدواجات دگر |  | آب را بر سر زنی سر نشکند آب را هم خاک را بر هم زنی گشت حاصل از نیاز و از لجاج لاسمع اذن و لاعین بصر |

2ـ ازدواج در اصطلاح کلام: شباهت کلام به یکدیگر، در اصطلاح نام صنعتی که در آخر ابیات دو لفظ متشابه (مولوی) آلآخر یا دو لفظ متحد اللفظ و المعنی می‌آورند چنانکه در این شعر آورده شده :

|  |  |  |
| --- | --- | --- |
| ای ز لعل آتشینت در دل گلنار نار |  | غیر دل بر دل نداری ای بت مکار کار (غیاث للغات) |

3ـ ازدواج در اصطلاح فقهی / حقوقی: 1ـ ازدواج رابطه حقوقی است که برای همیشه یا موت معینی به وسیله عقد مخصوص بین زن و مرد حاصل شده و به آنها حق می‌دهد که از یکدیگر تمتع جنسی ببرند؛ نکاح.

2ـ عقد خاصی که موجب رابطه ازدواج بین زن و مرد می‌شود. رابطه‌ای است که با عقد مخصوص برای همیشه بین زن و مردی ایجاد می‌شود و آنان حق دارند از یکدیگر تمتع ببرند.

1ـ تعریف لغوی آسان: 1ـ امری که سخت و دشوار نباشد، سهل، خوار

2ـ بی‌تعب / بی‌رنج

3ـ مرفه / خوس

**آسان‌سازی** : خوار / یسیر/ مقابل دشوار، سخت ، مشکل

**فصل دوم: پیامدهای مادی آسان‌سازی ازدواج**

**گفتار 1ـ2: (اصلاح الگوی مصرف و ازدواج آسان)**

قال نبی (ص) : «مَنِ اقتَصَدَ فی معيشةِ رزقَهُ الله، و مَن بَذَّر حَرَمَهٌ اللهُ» [[3]](#footnote-3)

هر که در زندگی‌اش میانه‌روی داشته باشد، خداوند، او را بهره‌مند می‌سازد و هر که تبذیر کند، خداوند او را محروم می‌سازد. مسئله اسراف پیرامون مسئله ازدواج اغلب در مورد مراسم عروسی که دختر و پسر برگزار می‌کنند صادق است چرا که دیدگاههای گوناگونی درباره انجام مراسم عقد عروسی وجود دارد اکثر خانواده‌ها تشریفات خاصی را برای این مراسم در نظر می‌گیرند که اغلب هیچ ارتباطی با سنت و مذهب ندارد. اختلاف نظر بر چگونگی انجام مراسم عقد و عروسی و خرج و مخارج قبل و بعد از آن امری است که در بعضی موارد منجر به انصراف پسر و یا دختر و یا دو خانواده در پیوند زناشویی می‌شود.

طبیعی است که هر دختر و یا پسری می‌خواهد که مراسم عقد و عروسی او با تشریفات خاصی برگزار شود چرا که یادآور مهمترین اتفاق زندگی اوست اما بهتر است که به شرایط اقتصادی و همچنین دستوراتی که در اسلام پیرامون ازدواج و زندگی صحیح داده شده نیز توجه شود بهتر است هزینه‌ای که برای این تشریفات در نظر گرفته می‌شود برای آینده زوججوان پس ‌انداز و مورد استفاده قرار گیرد و در این مورد انجام تشریفات خصوصی و ساده کافی است[[4]](#footnote-4). بنابراین آسان‌سازی ازدواج تأثیر زیادی در جلوگیری از اسراف در خانواده‌ها دارد.

و اما پیرامون اصلاح الگوی مصرف و آسان‌سازی ازدواج رابطه معناداری وجود دارد؛ اصلاح الگوی مصرف از بعد سلبی به معنای صرفه‌جویی و کاستن از مصارف غیرضروری و از بعد ایجاب آن بهینه‌سازی مصرف و یا درست، به هنگام و اقتصادی مصرف کردن، تعبیر می‌شود موضوع ازدواج یکی از مهمترین زمینه پرداختن به این مبحث در اجتماع امروز است وقتی در آفت‌شناسی ازدواج به بررسی و شناخت موانع ازدواج آسان می‌پردازیم بسیاری از آنها را با اصلاح الگوی مصرف، قابل رفع می‌بینیم.

سبقت گرفتن در تجملات، چشم و هم چشمی‌های تشریفاتی، به زحمت انداختن خانواده‌ها و تکلف‌های طاقت‌فرسا در افزودن مراسم قبل، حین و بعد از ازدواج و غیر...از جمله عوامل دور ساختن جوانان از ازدواج به هنگام و تأخیر در زندگی زناشویی و افزایش توقعات و غلبه یافتن مشکل و قالب بر محتوا و زرق و برق مادیات بر معنویت‌ها و کاهش بهره‌وری در ازدواج خواهد بود.

آسان‌‌سازی ازدواج، وظیفه‌ای است که برای ادای آن خانواده، جامعه و مسئولان همگی نقش دارند و برای شکل‌گیری این مثلث سه ضلعی همه اضلاع باید هم‌گرایی داشته باشند خانواده‌ها اساس کار هستند و نقش اصلی را در این وظیفه مهم با پیروی از سیره پیشوایان دینی در آسان‌سازی ازدواج بر عهده داشته و نباید با فرافکنی و انداختن بار مسئولیت شانه خالی کنند همانطور که فرهنگ‌سازان جامعه و مسئولان کشور نیز هر کدام بایستی نقش خویش را در این میان ایفا کنند و صرفاً مسئولیت را بر عهده خانواده‌ها قرار ندهند. [[5]](#footnote-5)

همان گونه که ازدواج، یکی از نیازهای اساسی انسان و از عوامل شادکامی و احساس آرامش به شمار می‌رود، ازدواج نکردن نیز می‌تواند عامل افزایش اضطراب و تنیدگی گردد و زندگی را سرد و تلخ گرداند. یکی از دلائل اصلی ازدواج نکردن، نگرانی از تأمین مخارج زندگی است.

هر چه سطح زندگی‌ها بالاتر می‌رود این نگرانی نیز افزایش می‌یابد و میزان ازدواج کاهش می‌یابد. تنیدگی حاصل از ازدواج نکردن، از یک سو و نگرانی و اضطراب از فقر از سوی دیگر، شرایط سخت و شکننده‌ای را به وجود می‌آورد و بهداشت روانی فرد را به شدت تهدید می‌کند. پرسش این است که این نگرانی و اضطراب تا چه اندازه واقعی است؟ آیا یک ترس منطقی است که باید از آن گریخت و یا یک توهم است که نباید به آن اعتنا کرد؟

**گفتار 2ـ2: جلوگیری از ترک ازدواج به خاطر ترس از فقر**

و انکحوا الأيمیٰ منکم و الصلحين من عبادکم و إِمآئِکُم ان يکونوا فُقراءَ يُغْنِهُم اللهُ من فضلهٍ و الله وٰسعٌ عليم. [[6]](#footnote-6)

دختران و پسران بی‌همسرتان را و غلامان و کنيزان شايسته‌تان را به ازدواج درآورید. اگر فقیر باشند، خداوند آنان را از فضل خود بی‌نیاز می‌سازد و خداوند دارای فضلی گسترده وآگاه است.

پیامبر خدا با استناد به همین آیه خطاب به کسانی که به دلیل ترس از فقر ازدواج نمی‌کردند فرمود. [[7]](#footnote-7)

( من ترک التزویج مخافه العلیم فقد ساءَ ظنُه بالله عزوجل) «ان الله عزوجل یقول:‌ »ان یکونوا فقراء یغنهم الله من فضله»

هر کسی ازدواج را بخاطر ترس از تأمین عائله ترک کند، به تحقیق گمان به خداوند عزوجل برده است. خداوند می‌فرماید: اگر فقیر باشند خداوند آنان را از فضل خود بی‌نیاز می‌سازد. و همچنین پیامبر می‌فرمایند: زن بگیرید زیرا که ازدواج کردن روزی شما را بیشتر می‌کند. [[8]](#footnote-8)

بنابراین مشکل یک مشکل حقیقی و اقتصادی نیست بلکه یک توهم و مشکلی اعتقادی است.

برای حل مشکل ازدواج نکردن، نیاز به داشتن مال فراوان نیست. باید شناخت را تصحیح کرد و اندیشه‌ها را اصلاح کرد. [[9]](#footnote-9)

خداوند (فقراء) را از فضل خود بی‌نیاز می‌سازد و خداوند قادر بر چنین کاری هست. چرا که خداوند «واسع و علیم» است.

قدرتش چنان وسیع است که پهنه عالم هستی را فرا می‌گیرد و علم او چنان گسترده است که از نیات همه کس مخصوصاً آنها که به نیت حفظ و پاکدامنی اقدام به ازدواج که از نیات همه کس مخصوصاً‌ آنها که به نیت حفظ و پاکدامنی اقدام به ازدواج می‌کنند آگاه است و همه را مشمول فضل و کرم خود قرار خواهد داد.

پس فقر نمی‌تواند مانع راه ازدواج گردد. بلکه چه بسا ازدواج سبب غنا و بی‌نیازی می‌شود. دلیل آن هم با دقت روشن می‌شود. زیرا انسان تا مجرد است احساس مسئولیت نمی‌کند، نه ابتکار و نیرو و استعداد خود را به اندازه کافی برای کسب درآمد مشروع بسیج می‌کند و نه هنگامی که درآمدی پیدا کرد در حفظ و بارور ساختن آن می‌کوشد و به همین دلیل مجردان غالباً خانه به دوش و تهی دست هستند.

اما بعد از ازدواج شخصیت انسان تبدیل به یک شخصیت اجتماعی می‌شود و خود را شدیداً مسئول حفظ همسر و آبروی خانواده و تأمین و وسائل زندگی فراوان آینده می‌بیند. به همین دلیل تمام هوش و ابتکار و استعداد خود را به کار می‌گیرد و در حفظ درآمدهای خود و صرفه‌جوئی تلاش می‌کند و در مدت کوتاهی می‌تواند بر فقر چیره شود. چنانکه امام صادق فرموده «قالرزق مع النساء و العیالٍ». [[10]](#footnote-10)

روزی همراه همسر و فرزند است.

و در حدیث دیگری از پیامبر اکرم می‌خوانیم «مردی خدمت حضرتش رسید و از تهی‌دستی و نیازمندی شکایت کرد. پیامبر فرمود: «تزوج، فتزوج، فوسع، علیه» [[11]](#footnote-11) ازدواج کن، او هم ازدواج کرد و گشایش در کار او پیدا شود.

بدون شک امدادهای الهی و نیروهای مرموز معنوی نیز به کمک چنین افرادی می‌آید که برای انجام وظیفه انسانی و حفظ پاکی خود اقدام، ازدواج می‌کنند. [[12]](#footnote-12)

گفتار 3ـ2: جلوگیری از افزایش سن ازدواج

در حال حاضر سن ازدواج به عوامل زیر بستگی دارد:

1ـ بلوغ جسمی و جنسی 2ـ بلوغ عقلی و فکری. 3ـ میزان علاقه فرد به تحصیلات که در این موارد ازدواج به بعد از پایان تحصیلات و شروع فعالیت‌های اجتماعی موکول می‌شود. 4ـ توانایی شروع به کار و داشتن درآمد و توانایی تأمین هزینه‌های لازم زندگی مشترک در مردان 5 ـ میزان علاقه خانم‌ها به ادامه تحصیلات و فعالیت‌های اجتماعی و داشتن کار و درآمد و در نتیجه داشتن استقلال مادی، 6 ـ آگاهی به مفهوم ازدواج و احساس نیاز به داشتن زندگی مشترک [[13]](#footnote-13)

در گذشته اغلب ازدواج‌ها بعد از بلوغ جسمی و جنسی پسر و دختر صورت می‌گرفت اما در زمان حاضر فقط بلوغ جسمی و جنسی نمی‌تواند جوابگوی نیازهایی که لازمه یک زندگی است، باشد. در گذشته ازدواج‌هایی که در سنین پایین انجام می‌پذیرفت، پسر و یا دختر از سوی خانواده‌ةا مورد حمایت مادی و معنوی قرار می‌گرفتند ولی امروزه این تفکر و عقیده برای هر پسر و دختری وجود دارد که می‌خواهد مستقل از خانواده زندگی کند. فعالیت‌های گسترده اجتماعی و انگیزه‌های رشد بیشتر، سن ازدواج را بالا برده است، بویژه در شهرهای بزرگ و در افرادی که به دنبال تحصیلات دانشگاهی هستند؛ زمان ازدواج به بعد از پایان تحصیلات و شروع فعالیت‌های اجتماعی موکول می‌شود. ممکن است در روستاها و یا شهرهای کوچک ازدواج در سنین پایین و با شروع بلوغ جسمی و جنسی صورت پذیرد ولی در شهرهای بزرگ و اجتماعات فعال چنین نیست.

تفاوت سنّی بین پسر و دختر همیشه مطرح بوده است. به طور کلّی لازم است که در سن مرد از سن زن بیشتر باشد.

سن باروری در زن تا سی و پنج سالگی است و اگر از سنی سی و پنج سالگی به بعد خانمی حامله شود، احتمال وجود نوعی نقص جسمی و مغزی در فرزند وجود دارد.

بنابراین یزید جعفی می‌گوید: امام باقر از رسول خدا نقل کردند که فرمودند: چه چیز جلوگیری مؤمن شده که برای خود همسری نمی‌گزیند شاید خداوند به او فرزندی عطا کند که روی زمین را با گفتن کلمه توحید (لا اله الّا الله) سنگین سازد. [[14]](#footnote-14)

فصل سوم: پیامدهای معنوی آسان‌سازی ازدواج

گفتار 1ـ3: جلوگیری از افزایش سن ازدواج

خداوند متعال، انسان را آفرید و تداوم نسل او را در خود او قرار داد. از این رو موجودیت انسان را در دو جنس زن و مرد قرار داد و فیزیک بدن هر یک را به گونه‌ای آفرید که با این هدف سازگار باشد. غریزه جنسی را نیز قرار داد تا زن و مرد به سوی هم کششی داشته باشند تا نسل انسان تداوم یابد و الا چه بسا انسان‌ةا به خاطر راحت‌طلبی و مسئولیت گریزی از تشکیل خانواده خودداری می‌کردند. از سوی دیگر، در هر یک از دو جنس زن و مرد، تفاوت‌های روانشناختی وجود دارد و ویژگی‌های روحی و عاطفی هر یک به گونه‌ای آفریده شده که با دیگری ارضاء می‌شود.

همه‌ی این مسائل تلوینی، موجب می‌شود که انسان به همسر، نیاز داشته باشد و اگر این نیاز برآورده نشود انسان، آرامش نمی‌یابد. زمانی می‌توان به آرامش، شادی حقیقی و رضایتمندی از زندگی دست یافت و از زندگی لذت برد که این بخش از نیاز انسان برآورده شود، برآورده شدن این نیاز تنها با یک ازدواج موفق صورت پذیر است ازدواجی که طبق موازین اسلامی صورت بگیرد نه ازدواجی که پایه و اساس آن مال و خرج‌‌های کلان و سخت‌گیری‌های نابه‌جا باشد.

انسان خوشبخت، کسی است که همسری شایسته، همراه، یاور و پشتیبان داشته باشد خوشبختی رضایتمندی و شادی از آن همسرانی است که میان آنان مودّت و رحمت وجود داشته باشد و این مهم به وسیله مال، جاه، جمال بدست نمی‌آید. از این رو، دین اسلام، توصیه کرده که همسر خود را به خاطر مال وجاه و جمال انتخاب کنید که اگر چنین شد، خداوند، شما را به همان عوامل، واگذار می‌کند. اما اگر به خاطر دین و ایمان با کسی ازدواج کردید، خداوند، این عوامل را نیز به شما می‌دهد.

نهایتاً آنچه زندگی را شیرین و لذت‌بخش می‌کند، مال، جاه، جمال، مراسم عروسی پر از تشریفات، انجام تک تک رسوم پر تکلف، مهریه بالا، جهیزیه پر از تجملات نیست، مودت و رحمت است و این دو در دست خداوند است و اوست که میان دلها انس و اُلفت برقرار می‌کند و آنگاه که چنین می‌شود، آن همسر از هر چیزی برای انسان دوست‌داشتنی‌تر خواهد بود و این یعنی یک زندگی شیرین، لذت‌بخش و همراه با آرامش، آسایش، رضایتمندی و شادی [[15]](#footnote-15).

(هُوَ الذی خَلَقکُم مِن نفسٍ وحدَةٍ و جَعَلَ زَوجَها ليَسکُن إِلَيْهَا[[16]](#footnote-16). )

اوکسی است که شما را از یک ماهیت آفرید همسرش را از آن قرار داد تا بدان وسیله، آرامش یابد.

**گفتار 2ـ3: جلوگیری از اضطراب در روان آدمی**

ازدواج مناسب و به جا مایة آرامش روح و روان است.

خداوند در قرآن به این امر اشاره کرد و می‌فرماید: «و من آياته أن خلق لکم من انفسکم ازواجاً لتسکنوا اليها»[[17]](#footnote-17) (سوره روم / آیه 21)

و از نشانه‌های خداوند این است که از خود شما برایتان همسرانی قرار داد تا بدانها آرامش یابند. و در جای دیگر می‌فرماید: هوالذی خلقکم من نفس واحده و جعل منها زوجها لیسکن الیها. او کسی است که شما را از یک ماهیت آفرید و همسرش را از آن قرار داد تا بدان وسیله آرامش یابد.

خداوند انسان را آفرید، تداوم نسل او را در خود قرار داد. از این رو موجودیت انسان را در دو جنس زن و مرد قرار داد و فیزیک بدن هر یک را به گونه‌آی آفرید که با این هدف سازگار باشد. غریزة جنسی را نیز قرار داد. تا زن و مرد به سوی هم کششی داشته باشند تا نسل انسان تداوم یابد و الّا چه بسان انسان‌ها به خاطر راحت‌طلبی و مسئولیت‌گریزی از تشکیل خانواده خودداری می‌کردند و از سوی دیگر در هر یک از دو جنس زن و مرد تفاوت‌های روان‌شناختی وجود دارد و ویژگی‌های روحی و عاطفی هر یک به گونه‌ای آفریده شده که با دیگری ارضا می‌شود. [[18]](#footnote-18)

همه این مسائل تکوینی موجب می‌شود که انسان به همسر نیاز داشته باشد و اگر این نیاز برآورده نشود، انسان آرامش نمی‌یابد. زمانی می‌توان به آرامش رسید و از زندگی لذت برد که این بخش از نیاز انسان نیز برآورده شده باشد! برآورده شدن این نیاز، موجب آرامش می‌شود و بدین جهت است که ازدواج مایه آرامش دانسته شده است:

امام سجاد می‌فرماید: خداوند همسر را مایه آرامش و انس قرار داده. تا انسان در کنار او آسایش یابد و لذا امام صادق می‌فرماید: اگر کسی از همسر موافق و همراه محروم باشد ناآرام و حیران بوده و زن او ناتمام خواهد بود.

**آرامش روانی یعنی خوشبختی**

فی لزوم الحق تکون السعاده [[19]](#footnote-19) نیکبختی در همراه بودن با حق است علی (ع)

هر آن که خاطر مجموع و یار نازنین دارد سعادت هم دم او گشت و دولت هم قرین دارد،

دانشمندی می‌گوید: «ما آرامش خاطر را دوست داریم و همیشه به دنبال آن می‌رویم ولی تا موقعی که از انجام وظیفه فرار می‌کنیم هیچ وقت به آرامش خاطر نخواهیم رسید»

بلی، آرامش خاطر همان خوشبختی است و خوشبختی نیز که همه به دنبال آن هستند یا بی‌صبرانه و در عین حال، نومیدانه در انتظارش هستیم جز آرامش روانی چیز دیگری نیست.

واقعیت این است که بعضی از انسانها زهر را در کاسة طلایی می‌خورند یعنی از مال دنیا، آنچه به فکر شما برسد دارند. ثروت / جاه / مقام و شهرت و ... لکن دلهره، اضطراب و وسوسه هم هنگام خواب و بیداری از آنان جدا نیست. لبخندی بر لب ندارند. یأس سر تا پای وجودشان را فراگرفته، به سوی مقصدی ـ معمولاً تاریک و ناپیدا ـ که در حرکتند، قدمها سست و نااستوار است. در بازگشت به خانه، گویی به هدف آرزوها می‌روند، آنجا نیز یا مجسمة فلزی قیافه اخمو هستند و یا گرفتار وسوسه‌های نفس و یا در جدال و مرافعه اهل خانه هم نه تنها مشتاق دیدارش نیستند ـ متقابل است. [[20]](#footnote-20)

(برای کسی که ازدواج نامناسب و نابجا ـ احیاناً دیر هنگام ـ انجام داده است خانه به جای اینکه محل آرامش و تسکین آلام روزانه‌اش باشد، قبرستان آرزوهایش خواهد بود.

**گفتار 3ـ3: برآورده شدن نیازهای عاطفی**

بسیاری از احساس‌ها، عواطف و انگیزه‌ها در دوران بلوغ، نوجوانی و جدائی شکل می‌گیرند و حالتی جلوی پیدا می‌کنند. بصورتی که فرد نمی‌تواند برخلاف آن عمل کند که البته در بعضی موارد موجب بروز تعارضاتی در محیط خانواده و با پدر و مادر می‌شود.

چون هر پدر و مادری دوران‌های حساس و لطیف زندگی را پشت سر گذاشته و تجربه‌های فراوانی کسب کرده و با طی روند تکاملی به تفکری مستدل و منطقی دست یافته‌‌‌‌اند. لذا به بسیاری از حالات فرزندانشان توجه لازم را ندارند و با آنها را جدی تلقی نمی‌کنند (که این امری است طبیعی) به این دلیل فرزندان خانواده این نکته را درک می‌کنند که ممکن است بیان بعضی از ذهنیاتشان موجب سرزنش و حتی تحقیرشان شد و بدین سبب پدر و مادر را مناسب دوستی خاص و مورد انتظار خود نمی‌بینند و خود را تنها حس می‌‌کنند و دچار اضطراب تنهایی می‌شوند. در نتیجه و به تدریج فرزندان با جدایی بیشتر از خانواده و تلاش برای کسب استقلال سعی می‌کنند که به خود متکی باشند تا اعتماد به نفس بیشتر و یا لازم را کسب می‌نمایند و در این راستا اقدام به دوست‌یابی و پذیرفتن و ایفای نقش‌های اجتماعی می‌کنند.

سرعت‌یابی نخست از هم سالان هم جنس مشروع می‌شود و فرزندان ذهنیات خود را که نمی‌توانند با پدر و مادر در میان بگذارند با یکدیگر مطرح می‌سازند و از طریق تبادلات احساسی، عاطفی، فکری اضطراب تنهایی آنان کاهش می‌یابد. زمانی فرا می‌رسد که دوستان هم جنس نیز توانایی برآورده کردن برخی از نیازهای یکدیگر را ندارند و بر این اساس و به دلیل وجود حس کنجکاوی و غریزة جنسیت، با افرادی از جنس مخالف دوست می‌شوند و به این نکته پی می‌برند که جنس مخالف توانایی بیشتری در درک بخشی از احساسات و عواطف وی دارد و در نهایت میل به برآورده شدن نیازهای ذکر شده از سوی جنس مخالف شکل انگیزه‌ای را پیدا می‌کند که در ازدواج دخالت دارد.

در این جاست که با وجود غریزة جنسی و عدم دسترسی به همسر خطر فحشا و آسیب‌های حاصل از دوستی با جنس مخالف مطرح می‌شود.

علاوه بر این، دوستی بین دختر و پسر در حقیقت آغازی است برای به باتلاق کشیده شدن جوانان و تأثیرات سوء فراوان ناشی از این دوستی‌ها.

زندگی در محیط خانوادگی موجب می‌شود که فرزندان خانواده علاوه بر رشد جسمی و روانی به این نکته نیز آگاهی یابند که رفع تنهایی و داشتن خانواده‌های مستقل تنها با ازدواج ممکن می‌گردد و مجرد زیستن مانع بزرگی برای دست‌یابی به زندگی مشترک و تشکیل خانواده است. هم چنین با دقت به روند زندگی و اینکه پدر و مادرها به تدریج پیر می‌شوند و با بیماری یکی از آنها دیگری از او مراقبت می‌کند و یا فوت پدر و مادرها در سنین پیری و توجه به این امر که وجود پدر و مادر برای فرزندان همیشگی و جاویدان نخواهد بود و بالاخره فکر تنهایی در آینده و ترس از تنها زیستن، عاملی می‌شود که فرد را به ازدواج تشویق می‌کند. علاوه بر این، مشاهده ازدواج افراد مجرد (فامیل/ دوستان و همسالان) به فرد این نکته را تفهیم و تلقین می‌کند که او نیز بایستی ازدواج کند تا در آینده تنها بماند. [[21]](#footnote-21)

**فصل چهارم ـ پیامدهای آسان‌سازی ازدواج**

**گفتار 1ـ4: جلوگیری از فساد جوانان**

بوسیله ایمان، انسان به بلندترین پایه نیک بختی و نهایت شادمانی می‌رسد. والاترین و مهم‌ترین آرزوهای یک انسان سالم و صحیح، داشتن ایمان کامل است. از طرف دیگر، آرزوهای هر کس اراده او را تحریک می‌کند. نتیجتاً باز هم در جهت تقویت ایمان حرکت می‌کند. حال چنانچه لوای دین و ایمان همیشه ودر همه جا جوانها را در پناه خود داشته باشد و آنان مسأله نبوت را درک کنند و انبیاء را بشناسند و نیز به این حقیقت دست یافته باشند که پیامبران آمده‌‌اند تا امت را ارشاد و تزکیه کنند و تعلیم دهند و از گمراهی آشکار نجات دهند. هم چنین سنت آخرین آنان ـ محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله ـ را که ضامن خوشبختی دنیا و رستگاری آخرت انسانهاست پیروی کنند. در مقابل سؤال (چرا ازدواج می‌کنید؟) با احساس شخصیت، خواهند گفت مگر نه پیغامبر عظیم الشأن اسلام فرموده (من تزوج فقد استکمل نصفَ الیمان...؟ پس نیمه ایمانم را از این راه تأمین می‌‌کنم و نیمه دیگر را از طریق سایر عبادات[[22]](#footnote-22) و همچنین در بسیاری از روایات توصیه به ازدواج وجود دارد. که بیان کرده‌اند: «شرارکم عذابکم» [[23]](#footnote-23) بدترین شما مجردانند.

و پیامبر در این رابطه فرمود. تناکحو او تناسلوا تکثر وافانی اباهی بکم الامم یوم القیامة و لو بالقسط ازدواج کنید تا نسل شما فزونی یابد که من بافزونی جمعیت شما حتی با فرزندان سقط شده در قیامت به دیگر امت‌‌ها مباهات می‌کنم. [[24]](#footnote-24)

ازدواج با هنگام و نامناسب اثرات و پیامدهای مختلفی دارد. از جمله پیامدهای ازدواج‌های سخت‌گیرانه و نامناسب پدیدة شوم طلاق است.

**گفتار 2ـ4: جلوگیری از زوال خانواده‌ها**

نگرش به جدایی گوناگون است. گروهی آن را شکست تلقی می‌‌کنند و گروهی آن را رهایی و کسب آزادی و عده‌ای دیگر آن را ممنوع و برخی نیز آن را حق طبیعی هر انسانی می‌دانند.

طبیعی است که به دلیل غریزة بقای نسل و نگرانی از تنهایی، داشتن فرزند و نوه آرزوی هر پدر و مادر و زن و شوهری است و علاوه بر این هر پدر و مادری آرزو دارد که فرزندش ازدواج کند و برای خود زندگی شغل داشته باشد و این خواسته موجب آرامش و آسایش روانی پدر و مادرها می‌گردد اما در این راستا باید به خوشبخت زیستن فرزند خود نیز نگاه جداگانه‌ای داشته باشند. چرا که خوشبخت زیستن و از زندگی لذت بردن صرفاً با ازدواج و داشتن زندگی مشترک و تولد فرزند بدست نمی‌‌آید. لذا چه ضرورتی دارد که با اصرار خود ما فرزندمان را در شرایط نامناسب و رنج‌آور زندگی زناشویی قرار دهیم و از او بخواهیم که زندگی با بالاجبار ادامه دهد و همیشه احساس بدبختی کند. [[25]](#footnote-25) اگر چه در این موارد طلاق و جدایی راهی قطعی است اما باید توجه داشت که این پدیده چه آثاری بر جامعه خواهد داشت. عوارضی از قبیل به انحطاط رفتاری و اخلاقی کشیده شدن زوجین / فساد اخلاقی فرزندان طلاق و غیره.

پس بی‌دلیل به نظر نمی‌رسد اگر دربارة ازدواج و آسان: اما صحیح کردن روش آن بیشتر مطالعه و تحقیق شود چرا که رسول اکرم در این باره می‌فرمایند: [[26]](#footnote-26) انّ الله يحبُّ عبده الفقیر المتعضف ذالعيال:

خداوند بنده‌ای را که صاحب خانواده است و فقیر نیز می‌باشد دوست دارد.

«کسی که فرزندش به حد رشد رسد و امکانات تزویج او را داشته باشد و اقدام نکند و در نتیجه فرزند مرتکب گناهی شود، این گناه به هر دو نوشته می‌شود»

و باز به همین دلیل دستور مؤکد داده شده که هزینه‌های ازدواج را اعم از مهر و سایر قسمتها سبک و آسان بگیرند، تا مانعی بر سر راه ازدواج مجردان پیدا نشود، از جمله در مورد مهریه سنگین که غالباً سنگ راه ازدواج افراد کم درآمد است.

**گفتار 3ـ4: رشد ایمان در خانواده**

به وسیله ایمان، انسان به بلندترین پایه نیکبختی و نهایت شادمانی می‌رسد که والاترین و مهمترین آرزوهای یک انسان سالم و صالح، داشتن ایمان کامل است. حال چنانچه لوای دین و ایمان همیشه ودر همه جا جوانها را در پناه خود داشته باشد و نیز به این حقیقت دست یافته باشند که پیامبران آمده‌اند تا امت را ارشاد و تزکیه کنند و تعلیم دهند و از گمراهی آشکار نجات دهند، همچنین سنت آفرین آنان ـ حضرت محمد (ص) را که ضامن خوشبختی دنیا و رستگاری آخرت انسانهاست پیروی کنند، در مقابل سؤال چرا ازدواج می‌کنید؟ با احساس شخصیت خواهند گفت: پیامبر اکرم (ص) فرمودند: مَن تَزَّوجَ فَقَد اِسْتَکمَلَ نصفَ الایمان....

پس نیمه ایمان را از این راه تأمین می‌کند و نیمه دیگر را با سایر عبادات [[27]](#footnote-27)

بنابراین یکی دیگر از مهمترین عواملی که ممکن است موجب آسان‌سازی ازدواج گردد داشتن انگیزه بالا برای رشد ایمان ابتداعاً به صورت فردی و سپس اثر آن در خانواده به صورت گروهی می‌باشد چنانچه در یک خانواده به دلیل تکلف، در امر ازدواج بر آن خانواده حاکم است جوان به فساد و فحشا روی بیاورد تمام اعضای خانواده را تحت شعاع قرار خواهد داد و این امر موجب کاهش سطح ایمان در خانواده به عنوان زیربنایی‌ترین گروه یک جامعه خواهد شد.

لذا ازدواج ساده و آسان بی‌ریا و بی‌تکلف موجب افزایش ایمان در خانواده می‌شود از طرفی افراد خانواده نیز باید در این امر کوشا باشند چرا که در روایات متعددی مسلمانان را تشویق به همکاری در امر ازدواج مجردان کرده‌اند مخصوصاً اسلام در مورد فرزندان مسئولیت سنگینی بر دوش پدران افکنده و پدرانی را که در این مرحله حیاتی زندگی بی‌تفاوت هستند شریک جرم انحراف فرزندانشان و بی‌ایمانی آنها شمرده‌اند چنانچه در حدیثی از پیامبر (ص) می‌خوانیم:

من ادرک له ولد و عنده مایَزِوج فلم یزوجه فاحدثَ فالاسم بینهما [[28]](#footnote-28)

**نتیجه‌گیری:**

در بینش اسلامی باید این اصل همواره مورد توجه باشد که نسبت دنیا با آخرت نسبت محدود با نامحدود است نسبت متناهی با نامتناهی است از نظر کمیت، دنیا با آخرت قابل مقایسه نیست زیرا عمر و زندگی دنیوی محدود، و زندگی آخرت نامحدود و نامتناهی است و از نظر کیفیت نیز نمی‌توان دنیا را با آخرت قیاس کرد پس پسندیده نیست که انسان دلبسته لذت‌های محدود دنیوی، حیوانی و طبیعی گردد و این دلبستگی او را از لذت‌های اخروی باز دارد اسلام برای اینکه انسان اهمیت و جایگاه رفیع آخرت و نعمت‌‌های ابدی و بی‌نهایت آن را از یاد نبرد و دلبسته دنیا، نعمتها و لذت‌های زودگذر آن نشود، دنیا و نعمت‌های آن را حقیر و کوچک خوانده است و درباره بخشی از نعمت‌های بهشتی که بهشتیان از آنها بهره‌مند می‌شود می‌فرماید:

ظرف‌های زرین پر از اطعام و قدح‌هایی از شراب بر آنان بگردانند و در آن بهشت هر چه دل‌ها خواهش و آرزو کند و چشم‌ها از دیده آن لذت برد وشما در آنجا جاویدانید و این است بهشتی که به پاداش آنچه می‌کردید به میراث می‌برید.

بنابراین تکلف و سخت‌گیری در هر امر دنیوی کاری لغو و بیهوده است چرا که دنیا محل گذر و عبور است و سختگیری در محل عبور یعنی ماندن در آن و دیرتر رسیدن به مقصد و سخت‌تر جان کندن.

**والسلام**

فهرست منابع و مآخذ

**قرآن کریم**

1ـ پسندیده، عباس، رضایت از زندگی، انتشارات سازمان چاپ و نشر دارالحدیث، 1386

2ـ عزیزی تهرانی، علیرضا، ازدواج و خانواده در کلام خدا، انتشارات دارالصادقین، زمستان 1376

3ـ صدری، سید ضیاءالدین، آئینه ازدواج و روابط همسران. انتشارات انجمن اولیا و مربیان تابستان 1375

4 ـ عسگری فر، حسین، نقش بهداشت روان در ازدواج، زندگی زناشویی، طلاق. انتشارت گفتگو 1380

5 ـ مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، جلد 14

6 ـ طهماسبی، احمد، جوان و ازدواج، انتشارات یاقوت، 1383

7 ـ حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، جلد 20، انتشارات آل البیت (ع) لأحیاه التراثٱ 1412 هـ ق

8 ـ محمدی ری‌شهری، میزان الحکمه، جلد 5، صفحه 2251، ترجمه: حمیدرضا شیخی، انتشارات دارالحدیث، 81 هـ ق

9 ـ ابوجعفر الصدوق، محمد بن علی،من لایحضره الفقیه، ترجمه: غفاری، انتشارات صدوق 1368

10ـ شبر، سید عبدا...، اخلاق بشرع ترجمه: محمدرضا جباران، انتشارات هجرت 1377

11 ـ عباس، قمی، سفینة البحار، جلد1

12ـ طبرسی، ابوعلی فضل بن حسن، مجمع البیان، انتشارات دارالمعرفة، بیروت، 1408 هـ ق

13ـ مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، انتشارات المکتبة الاسلامیه، تهران 1405 هـ ق

14ـ دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، جلد2، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران 1377

15 ـ معین، محمد، فرهنگ فارسی معین، جلد 1، انتشارات امیرکبیر 1371

16ـ کلینی، محمدبن یعقوب، اصول کافی، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، تهران، 1377 ق

1. ـ علی اکبر، دهخدا، لغت نامه دهخدا، جلد 2، صفحه 198 ، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، 1377 [↑](#footnote-ref-1)
2. - محمد، معین، فرهنگ فارسی معین، جلد 1، صفحه 216، انتشارات امیرکبیر، 1371 [↑](#footnote-ref-2)
3. - محمد بن یعقوب، کلینی، اصول الکافی، جلد 2، ص 122 [↑](#footnote-ref-3)
4. ـ دکتر حسین عسکری فر، نقش بهداشت روان در ازدواج، زندگی زناشویی، طلاق صفحه 309 انتشارات گفتگو، 1380 [↑](#footnote-ref-4)
5. - <http://ezdevaj> . bleg fa. Com/ [↑](#footnote-ref-5)
6. ـ قرآن کریم سوره نور آیه 32 [↑](#footnote-ref-6)
7. - محمد بن حسن، حر عاملی، وسائل الشیعه، جلد 20، صفحه 43 [↑](#footnote-ref-7)
8. - محمد، محمدی ری شهری، میزان الحکمه صفحه 210 [↑](#footnote-ref-8)
9. - عباس، پسندیده، رضایت از زندگی صفحه 114 [↑](#footnote-ref-9)
10. - سید عبد ا... ، شبرّ، اخلاق شبدّ ، صفحه 221 [↑](#footnote-ref-10)
11. ـ محمد بن حسن، حر عاملی، وسائل شیعه، جلد 20 صفحه 43 [↑](#footnote-ref-11)
12. - علیرضا، عزیزی تهرانی، ازدواج و خانواده در کلام خدا صفحه 36 [↑](#footnote-ref-12)
13. - حسین، عسگری، نقش بهداشت روان در ازدواج صفحه 112 [↑](#footnote-ref-13)
14. - محمد بن علی (ابوجعفر الصدوق)، من لایحضره الفقیه باب برتری تزویج صفحه 9 [↑](#footnote-ref-14)
15. ـ عباس، پسندیده، رضایت از زندگی، صفحه 210 [↑](#footnote-ref-15)
16. - قرآن کریم ، سوره اعراف، آیه 189 [↑](#footnote-ref-16)
17. - قرآن کریم، سوره رم، آیه 21 [↑](#footnote-ref-17)
18. - عباس، پسندیده، رضایت از زندگی، صفحه 204 [↑](#footnote-ref-18)
19. - محمدباقر، مجلسی، بحارالانوار [↑](#footnote-ref-19)
20. ـ سید ضیاء الدین، صدری، آینه ازدواج و روابط همسران، صفحه 104 [↑](#footnote-ref-20)
21. ـ حسین، عسگرفر، نقش بهداشت روان در ازدواج، زندگی زناشویی، طلاق، صفحه 220 [↑](#footnote-ref-21)
22. ـ سید ضیاءالدین، صدری، آئینه ازدواج و روابط همسران، صفحه 88 [↑](#footnote-ref-22)
23. ـ ابوعلی فضل بن حسن، طبرسی، مجمع البیان، صفحه 158 [↑](#footnote-ref-23)
24. ـ سفینة البحار، جلد 1، ص 561 [↑](#footnote-ref-24)
25. - حسین، عسگری فر، نقش بهداشت روان در ازدواج، زندگی زناشویی، طلاق صفحه 310 [↑](#footnote-ref-25)
26. - محمد بن حسن، حر عاملی، وسائل الشیعه، جلد 20 صفحه 39 [↑](#footnote-ref-26)
27. - سید ضیاءالدین،صدری، آئینه ازدواج و روابط همسران، صفحه 205، انتشارات انجمن اولیاء و مربیان جمهوری اسلامی، 1375 [↑](#footnote-ref-27)
28. - ناصر، مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، جلد 14، صفحه 406، انتشارات دارالکتب الاسلامیه، 1370 [↑](#footnote-ref-28)